



- 1 بر دیده بانگاه خود می ایستم و بر برج برپا می شوم. و مراقب خواهم شد تا ببینم که او به من چه خواهد گفت و درباره شکایتم چه جواب خواهد داد.
- 2 پس خداوند مرا جواب داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوحها چنان نقش نما که دهنده آن را بتواند خواند.
- 3 زیرا که رؤیا هنوز برای وقت معین است و به مقصد می شتابد و دروغ نمی گوید. اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود.
- 4 اینک جان مرد متکبر در او راست نمی باشد، اما مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود.
- 5 به درستی که شراب فریبده است و مرد مغرور آرامی نمی پذیرد، که شهوت خود را مثل عالم اموات می افزاید و خودش مثل موت، سیر نمی شود. بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می آورد.
- 6 پس آیا جمیع ایشان بر وی متلی نخواهند زد و معمّای طعن آمیز بر وی (نخواهند آورد)؟ و نخواهند گفت: وای بر کسی که آنچه را که از آن وی نیست می افزاید؟ تا به کی؟ و خویشتن را زیر بار رهنها می نهد.
- 7 آیا گزندگان بر تو ناگهان برنخواهند خاست و آزارندگان بیدار نخواهند شد و تو را تاراج نخواهند نمود؟
- 8 چونکه تو امتهای بسیاری را غارت کرده ای، تمامی بقیه قومها تو را غارت خواهند نمود، به سبب خون مردمان و ظلمی که بر زمین و شهر و جمیع ساکنانش نموده ای.
- 9 وای بر کسی که برای خانه خود بدی را کسب نموده است تا آشیانه خود را بر جای بلند ساخته، خویشتن را از دست بلا برهاند.
- 10 رسوایی را به جهت خانه خویش تدبیر کرده ای به اینکه قومهای بسیار را قطع نموده و بر ضدّ جان خویش گناه ورزیده ای.
- 11 زیرا که سنگ از دیوار فریاد برخواد آورد و تیر از میان چوبها آن را جواب خواهد داد.
- 12 وای بر کسی که شهری به خون بنا می کند و قریه ای به بی انصافی استوار می نماید.
- 13 آیا این از جانب یهوه صباوت نیست که قومها برای آتش مشقّت می کشند و طوایف برای بطالت خویشتن را خسته می نمایند؟
- 14 زیرا که جهان از معرفت جلال خداوند مملو خواهد شد به نحوی که آنها دریا را مستور می سازد.
- 15 وای بر کسی که همسایه خود را می نوشاند و بر تو که زهر خویش را ریخته، او را نیز مست می سازی تا برهنگی او را بنگری.
- 16 تو از رسوایی به عوض جلال سیر خواهی شد. تو نیز بنوش و غلفه خویش را منکشف ساز. کاسه دست راست خداوند بر تو وارد خواهد آمد و قی رسوایی بر جلال تو خواهد بود.
- 17 زیرا ظلمی که بر گئنان نمودی و هلاکت حیوانات که آنها را ترسانیده بود، تو را خواهد پوشانید. به سبب خون مردمان و

ظلمی که بر زمین و شهر و بر جمیع ساکنانش رسانیدی.

18 از بُت تراشیده چه فایده‌است که سازنده آن، آن را بتراشد یا از بت ریخته شده و معلّم دروغ، که سازنده آن بر صنعت خود توکل بنماید و بتهای گنگ را بسازد.

19 وای بر کسی که به چوب بگوید بیدار شو و به سنگ گنگ که برخیز! آیا می‌شود که آن تعلیم دهد؟ اینک به طلا و نقره پوشیده می‌شود لکن در اندرونش مطلقاً روح نیست.

20 اَمّا خداوند در هیکل قُدس خویش است پس تمامی جهان به حضور وی خاموش باشد.